

## سند راهبردی چین و ایران؛ تجلی راهبرد نگاه به شرق

### مقدمه

در دنیای مدرن و نظم جدید، دیگر ارتباط میان بازیگران براساس رابطه ای یک سویه و یک طرفه امکان پذیر نیست. از سوی دیگر یک بازیگر نیز به تنهایی نمی تواند نظم و قواعد خاصی براساس منافع خود وضع کند. بر همین مبنا اکنون بسیاری از بازیگران در سطح جهانی به ائتلاف های دو و چندجانبه روی آورده اند. ائتلاف هایی که در برخی مواقع ماهیت دفاعی و نظامی دارد و در پاره ای موارد ماهیت اقتصادی پیدا می کنند.

تا قبل از سقوط شوروی سابق بیشتر این ائتلاف ها مشتمل بر توافقات چندجانبه نظامی و در برابر بلوک مقابل شکل می گرفت، اما بعد از سقوط شوروی و در سده جدید، بویژه با تغییر نسبی گفتمان بین المللی از واقع گرایی به وابستگی متقابل جهانی، این ائتلاف ها ماهیت اقتصادی به خود گرفته اند. اکنون نیز به دلیل خسارت ها و هزینه های هنگفت نظامی، بسیاری از کشورها برای تاثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران از ابزارهای اقتصادی استفاده می کنند. در این میان بازیگری قائل به واکنش در برابر

کنش های موجود است که بتواند در ائتلاف با سایر بازیگران یک هم افزایی و همگرایی ایجاد کند. پیش نویس طرح همکاری های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین دارای همین ماهیت و هدف است؛ دو کشوری که به عنوان بازیگران مهم جهانی و منطقه ای در آینده نقش تاثیر گذاری بر مسائل و موضوعات اقتصادی، سیاسی و امنیتی دارند.

باتوجه به مسائل پیش رو و اهمیت روابط دوجانبه، توافقی میان دو کشور در زمینه های مختلف در حال شکل گیری و نهایی شدن است که اجرای آن می تواند در ابعاد مختلف ملی، منطقه ای و بین المللی تأثیر گذار باشد. بنابراین، از همین ابتدا با جنجال ضدانقلاب، غرب گرایان وطنی و جبهه ی دشمنان خارجی مواجه شده است. از این رو، در این گزارش به منظور ابهام زدایی و پاسخگویی به شبهاتی که پیرامون این توافق مطرح می شود، اهمیت و مفاد آن و تأثیرش بر موقعیت دو کشور تشریح می شود.

## سند توافق ۲۵ ساله ایران و چین

سند توافق دوجانبه گرچه هنوز به طور رسمی منتشر نشده است و به صورت بندهایی که در رابطه با این توافق وجود دارد، مشتمل بر پیش نویس است اما مهمترین موارد زیر می باشد:

۱- سند توافق میان چین و ایران با عنوان رسمی «برنامه همکاری های جامع ایران و چین» ثبت شده است و حوزه های سیاسی، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، کشاورزی،

اقتصادی، علمی، جهانگردی، نفت و انرژی، زیرساخت‌های مخابراتی و فناوری ارتباطات، تجارت، بهداشت و سلامت را دربرمی‌گیرد.

۲- در برخی از بندها از تسهیل سرمایه‌گذاری و فاینانس بحث شده و برخی از بندها از حمایت‌های متقابل سیاسی در حوزه نظامی و موضوعاتی همچون آموزش، انتقال فناوری دفاعی، مبارزه با تروریسم و رزمایش مشترک سخن به میان آمده است. از نکات بسیار مهم این سند می‌توان به توافق بر سر تجارت با ارزهای ملی یاد کرد.

۳- در این سند بارها به طرح بزرگ چین به نام «یک کمربند- یک جاده» طرحی بر بستر مسیر جاده ابریشم اشاره شده و این که ایران می‌تواند ضمن مشارکت فعال در این طرح جهانی از فواید اقتصادی و صندوق اعطای وام این طرح نیز بهره‌مند شود.

۴- بر اساس این مدارک چین واردکننده ثابت نفت خام از ایران خواهد بود و ایران نیز باید نگرانی‌های چین برای بازگشت سرمایه‌گذاری خود را برطرف کند.

۵- ارتقای همکاری‌های بانکی، مالی و بیمه‌ای و گشایش شعبات بانک‌های ایران و تأسیس بانک مشترک ایران و چین به ویژه ایجاد پیام‌رسان ملی میان دو کشور به جای سوئیفت نیز مطرح شده است.

۶- کمک به ساخت خط آهن در نقاط مختلف کشور، افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی به چین، کمک و سرمایه‌گذاری در حوزه زیرساخت‌های انرژی فسیلی،

سرمایه‌گذاری در تقویت کریدورهای راهبردی که از ایران می‌گذرند، از دیگر اصول اقتصادی مهم این سند است.

۷- سرمایه‌گذاری برای توسعه تولید و صادرات انرژی از ایران به کشورهای منطقه، مشارکت در توسعه همه‌جانبه سواحل مکران، کمک به ایران برای ایجاد نسل ۵ اینترنت و تقویت شبکه ملی اطلاعات، سرمایه‌گذاری برای تولید انرژی‌های پاک در مناطق کویری ایران، کمک به توسعه صنعت صلح‌آمیز هسته‌ای کشورمان و سرمایه‌گذاری در تأمین واگن مترو و ساخت خطوط مترو در شهرهای بزرگ و جدید از مهمترین بندهای این توافق است.

### منافع متقابل و مولفه‌های اهمیت برنامه همکاری

بر اساس رویکرد همگرایی منطقه‌ای که بر اساس نظریه نوکارکردگرایی و قاعده تسری مطرح می‌شود، همکاری در یک زمینه به سایر زمینه‌ها نیز کشیده خواهد شد و در نهایت، میان کشورها یک وابستگی متقابل به وجود خواهد آمد. با توجه به پیشرفت روزافزون ایران و شتاب‌بخشی به آن با انعقاد این قرارداد، بازیگران بسیاری به تکاپو افتاده‌اند که به هر نحو ممکن مانع از منعقد شدن چنین توافقی شوند. بر همین اساس با طرح شایعات گوناگون قصد ایجاد جنگ روانی و هزینه‌سازی برای چنین توافقی در افکار عمومی دارند تا به هر طریق ممکن مانع عقد آن شوند. به عنوان نمونه می‌توان به شایعه واگذاری پنج ساله جزیره کیش به چین که در این متن هیچ اشاره‌ای به آن

نشده و تنها در یک بند به صورت تلویحی آمده که سرمایه‌گذاری و توسعه جزایر منتخب در حوزه گردشگری و صنایع پتروشیمی و شیلات از سوی چین صورت می‌گیرد، اشاره کرد. البته در کنار این بند توضیحی آورده شده که جای هیچ شبهه‌ای باقی نمی‌گذارد و آن این است که این جزایر از سوی ایران با توجه به مصالح و نیازهای کشورهای انتخاب و معرفی می‌شود. با توجه به وضعیت موجود و ایجاد جنگ روانی و تبلیغاتی گسترده علیه این توافق می‌توان چند نکته را در رابطه با اهمیت آن برای ایران و چین برشمرد:

۱- با انعقاد این قرارداد ایران از فشار تحریم‌های اقتصادی علیه خود می‌کاهد و در مقابل چین نیز یک شریک راهبردی در منطقه که مستقل از بازیگران فرامنطقه‌ای است، پیدا می‌کند. نشریه شورای آتلانتیک در رابطه با این مسأله می‌نویسد: «توافقنامه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین، شکست تحریم‌های حداکثری آمریکا است و با توجه به نیاز راهبردی بلندمدت چین به ایران، ایران یک کشور اقماری و تحت‌الحمایه چین نخواهد بود.»

۲- با این توافق، ایران به عنوان کمر بند امنیتی و اقتصادی شرق به غرب شناخته می‌شود و این امر منجر به ارتقای بیشتر موقعیت ژئوپولیتیک ایران در عرصه جهانی خواهد شد. در مقابل چین نیز به یک کریدور قابل اعتماد دست یافته که از طریق آن

می‌تواند بدون هیچ گونه هزینه‌ای به دلایل مختلف سیاسی از آن بهره‌برداری کامل کند.

۳- سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های اقتصادی مهم همچون بندر چابهار و دیگر طرح‌های اقتصادی، ایران را در زمینه گلوگاه‌های اقتصاد دریایی به یک کشور مهم بین‌المللی تبدیل خواهد کرد. با توجه به مخاطرات زمینی همچون عدم امنیت در کشورهای منطقه‌ای و پیرامونی و عدم امکان جابجایی کالا از طریق هوایی، استفاده از اقتصاد دریایی در دستور کار بسیاری از کشورها قرار گرفته است. در این میان، گزینه برتر برای چین، ایران است. ایران به دلیل دسترسی به بنادر مهم خلیج فارس، موقعیت جغرافیایی‌اش، امنیت و دسترسی برای چین بهترین گزینه است.

۴- از نقطه نظر اقتصادی و جغرافیایی مهمترین بند این توافق برای چین، ایده "یک کمربند- یک جاده" است. طرح یک کمربند - یک جاده، احیا و گسترش و به عبارتی مدرن‌سازی و توسعه نوین طرح «راه ابریشم قدیم» است. استراتژی جهانی چین در قالب این طرح، ترسیم شده است. این ابتکار، یکی از جلوه‌های قدرت چین نوظهور است که سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم متصل می‌کند. راه ابریشم جدید، یک طرح سرمایه‌گذاری در زیربنای اقتصادی بیش از ۶۵ کشور جهان و توسعه دو مسیر تجاری «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی قرن بیست و یکم» است و هم‌چنان در حال توسعه و گسترش است. این طرح با هدف ارتقای

جایگاه چین در معادلات تجاری و اقتصادی جهان و ایجاد یک شبکه‌ی ترانزیتی بین‌المللی به مرکزیت این کشور است. این ایده چین را قادر می‌سازد کالاهایش را به صورت زمینی و دریایی به کشورهای جهان در هر سه قاره برساند. «کمربند اقتصادی» که طرحی زمینی یا خشکی است، در مسیر باستانی راه ابریشم، چین را از طریق آسیای مرکزی به خاورمیانه و سپس به اروپای شرقی و غربی متصل می‌کند و کشورهای قرقیزستان، قزاقستان، ازبکستان، ایران، ترکیه، اوکراین، لهستان، بلژیک، فرانسه و در نهایت ایتالیا را شامل می‌شود.

«راه ابریشم دریایی قرن ۲۱» نیز چین را از طریق دریا به جنوب شرق آسیا و آفریقا و حتی کشورهای اروپایی نظیر یونان و ایتالیا در شمال دریای مدیترانه مرتبط می‌نماید و کشورهای ویتنام، مالزی، اندونزی، سریلانکا، پاکستان و کنیا را دربرمی‌گیرد. بنابراین، انتظار می‌رود راه‌اندازی این طرح نه تنها نفوذ و قدرت چین در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش دهد، بلکه زمینه‌ساز توسعه اقتصادی آسیا و افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی آن در دنیا شود. در یک نگاه، این طرح سکوی بزرگی برای همکاری‌های اقتصادی است که برخی آن را بزرگ‌ترین «طرح مارشال» چین و مسیر اقتصادی قرن می‌دانند که بزرگ‌ترین طرح سرمایه‌گذاری است که تاکنون از سوی یک کشور ارائه شده است (۹۰۰ میلیارد دلار).

۵- یکی دیگر از دلایل اهمیت توافق چین و ایران، استفاده دو کشور از پول ملی یا پول واحد خواهد بود که راه حلی برای کاهش وابستگی به دلار بوده و عملاً تحریم‌های ضدایرانی را تا حدود زیادی خنثی می‌کند. البته دسترسی مستقیم ایران به پول از طریق فروش نفت به چین نیز بسیار مهم است که از این طریق تأمین مالی مهمی برای کشور صورت خواهد گرفت. ذکر این نکته هم بسیار مهم است که در هیچ کجای این توافق از لفظ تهاتر استفاده نشده است و این نشان‌دهنده دسترسی آسان ایران به منابع اقتصادی خود خواهد بود.

۶- سوق دادن سایر کشورها به همکاری گسترده با ایران. بسیاری از کشورها بخاطر تحریم ایران حاضر به همکاری در بسیاری از پروژه‌ها نبودند اما از زمان مطرح شدن این توافق برخی کشورها همچون هند و حتی کره جنوبی تمایل خود را برای مشارکت اقتصادی مطرح کرده‌اند.

### اهداف شایعه‌پراکنی بازیگران مخالف

از زمانی که طرح توافق ایران و چین مطرح شده، بسیاری از بازیگران مخالف این طرح به طُرُق مختلف شبهه‌افکنی و ایجاد جنگ روانی علیه کشور را مدنظر قرار داده‌اند. در یک نگاه کلی، هدف اصلی این بازی تبلیغاتی و پروپاگاندا‌ی خارجی شامل محورهای ذیل است:



۱. فشار آوردن به نظام و دولت برای انتشار مفاد قرارداد تا آمریکا براحتی و با سهولت بیشتری بتواند آن را تحریم کند.

۲. ایجاد ناامیدی در داخل کشور و جلوگیری از ایجاد امید در سطح جامعه و نشان دادن آمریکا به عنوان تنها راه نجات اقتصادی کشور.

۳. ایجاد شبهه افکنی و تردید در بین افکار عمومی داخل کشور در جهت ایجاد فشار بر حاکمیت با طرح شبههاتی همچون ترکمنچای جدید و ... .

۴. جلوگیری از پیشرفت اقتصاد ایران. در این رابطه میدل‌ایست‌آی در گزارشی درباره منفعت‌های اقتصادی این طرح برای ایران می‌نویسد: «سند همکاری ایران- چین، اقتصاد ایران را احیا کرده و موقعیت منطقه‌ای این کشور را بهبود می‌بخشد. این توافق احتمالاً به دشمنان ایران انگیزه خواهد داد به جای پیروی از سیاست‌های آمریکا به تنش‌زدایی با تهران روی بیاورند. کشورهای عربی احتمالاً با شتاب برای عقد قراردادهای خاص با چین خیز خواهند داشت».

۵. جلوگیری از قدرت گرفتن چین به عنوان مهم‌ترین رقیب اقتصادی آمریکا.

در کنار این مسائل بسیاری از تحلیل‌گران و اندیشکده‌ها معتقدند که این توافق پایانی بر سیاست تحریم آمریکا علیه ایران خواهد بود. به عنوان نمونه نیویورک تایمز در گزارشی می‌نویسد: «سند توافق ایران- چین ضربه سنگینی به سیاست‌های ضدایرانی

ترامپ است. همکاری گسترده دو کشور راه را برای سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیارد دلاری چین در ایران فراهم می‌کند و در نتیجه تلاش دولت ترامپ برای انزوای ایران تضعیف خواهد شد.»

در مقابل صهیونیست‌ها نیز از این سند و توافق ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که هر توافق اقتصادی بین ایران و چین به منزله ضربه‌ای اساسی به آمریکا و اسرائیل است. در این رابطه رون بن یشای، تحلیلگر صهیونیست معتقد است: «در صورت اجرایی شدن توافق راهبردی ایران و چین، همکاری بین دو کشور به صورت پلکانی افزایش یافته، اقتصاد ایران مجدداً با وجود تحریم‌های آمریکا حیات دوباره‌ای پیدا کرده، چین گام بزرگی در تقویت حضور راهبردی خود در منطقه برداشته و جایگاه خود را به عنوان یک قدرت اقتصادی تثبیت کرده و در مقابل ایالات متحده ضربه شدیدی را متحمل شده و به تبع آن اسرائیل هم باید از این ضربه نگران باشد». کاملاً معلوم است که این سند و توافق بیش از آنکه برای چین و ایران حائز اهمیت باشد، برای دیگر بازیگران منطقه‌ای حائز اهمیت و محل نگرانی شده است و این را می‌توان در عبارات و تحلیل‌های آنها مشاهده کرد.

## راهبردهای بهینه‌ساز

مطمئناً در برابر این توافق سنگ‌اندازی‌ها و اقدامات مختلف مانع‌تراشانه‌ای در ابعاد گوناگون صورت خواهد گرفت. در نتیجه برای به ثمر نشستن این توافق و بیشینه‌سازی تأمین منافع ملی در خلال آن چند راهبرد مهم باید در نظر گرفته شود:

۱- ایران و چین بدون در نظر گرفتن تبلیغات و جنگ رسانه‌ای مخالفان این توافق، راهبرد چند مرحله‌ای در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت باید اجرایی کنند. در کوتاه‌مدت تأکید اصلی بر تسهیل و اجرایی شدن سند است. در میان‌مدت این توافق به مرحله ملموسی برسد که منافع دوطرف در آن دیده شود و در بلندمدت سند با چشم‌اندازی روشن و جامع به مسیر خود ادامه دهد و موانع بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را برطرف نماید.

۲- در صورت اجرایی شدن، این توافق بعد از انقلاب بزرگترین توافق مهم اقتصادی است که بایک کشور بسته می‌شود. در این میان استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی چین در حل مسأله کاهش تحریم‌ها و جایگزینی به جای غرب می‌تواند راهگشا باشد.

۳- استفاده از نقش و تأثیرگذاری سایر بازیگران برای راهبردی‌تر کردن سند موجود. برخی بندهای این توافق احتیاج به همراهی سایر بازیگران منطقه‌ای دارد. در این میان، استفاده از ظرفیت‌های این بازیگران همچون پاکستان می‌تواند ائتلاف چندجانبه‌ای را به وجود آورد، بویژه از آن جهت که چینی‌ها در راهبرد منطقه‌ای خود روی پاکستان

هم به عنوان یکی از گزینه‌های اصلی شراکت راهبردی تأکید دارند. بنابراین، راهبرد مدنظر قرار داده شده باید بدین صورت باشد که سایر بازیگران دخیل و دارای منافع را نیز به کار بگیرد تا مسیر هموارتری برای توافق فراهم شود.

۴- ایجاد زیرساخت‌های توسعه همکاری‌های راهبردی میان دو کشور؛ به عنوان نمونه حذف دلار از مبادلات تجاری و استفاده از پول ملی. چنانچه براساس سند موجود ۴۰۰ میلیارد دلاری که در آن آمده بر مبنای دلار نباشد، یک ضربه‌ی جدی به سیطره جهانی دلار بشمار می‌آید.

## ارزیابی نهایی

ایران و چین دو کشور دارای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در سطح جهانی و منطقه‌ای هستند. چین بیش از ۱۰ درصد اقتصاد جهانی را داراست و به عنوان یکی از کشورهای مهم در عرصه اقتصادی شناخته می‌شود. تا جایی که بسیاری بر این اعتقادند که چین در آینده به عنوان قطب اقتصادی جهانی شناخته می‌شود و در سال ۲۰۳۰ به قدرت اول اقتصادی جهان تبدیل می‌شود.

در کنار این ظرفیت‌ها و استفاده از موقعیت جغرافیایی و قدرت منطقه‌ای ایران، چین همواره نگاه راهبردی به ایران برای ارتقای موقعیت خود در سطح جهانی داشته است. این در حالی است که ایران نیز بنابر وضعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی چین، نگاه آینده می‌تواند راهگشای دو کشور در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای باشد.

از سوی دیگر این توافق تغییر جهتی کاملاً آشکار از سوی ایران به شرق است. نگاه به شرق، یک نگاه کاملاً استراتژیک و برگرفته از یک رویکرد حفظ توازن است؛ توازنی که براساس آن نه نگاه صرف به غرب وجود دارد و نه نگاه صرف به شرق. براساس این راهبرد، ایران باید به سمت و سوی توافقات گسترده‌تر با کشورهای شرقی برای کاهش تأثیرگذاری تحریم‌ها و افزایش چانه‌زنی خود در ابعاد مختلف سیاسی و اقتصادی حرکت کند. بر همین مبنا، سند مذکور یک نمونه کامل از ایجاد توازن بین‌المللی است. در واقع، برنامه‌ی همکاری‌های جامع با چین مبتنی بر درک تغییرات بین‌المللی، بویژه تغییر محور قدرت هژمون از غرب به شرق در آینده‌ی نزدیک و همچنین، انعطاف راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در شرایط متحول و البته پیچیده نظام بین‌الملل است. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که حداقل یک دهه است که چین جزو دو شریک تجاری اول جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

نکته دیگر اینکه این توافق بیش از آنکه دارای ماهیتی دوجانبه باشد، یک نگاه یا راهبرد کلان چندجانبه‌ای است که در مرحله اول شامل ایران و چین می‌شود و در مراحل بعد سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را دربر خواهد گرفت. اهمیت راهبردی این توافق منجر به موضع‌گیری سایر بازیگران رقیب شده است و در این راستا بسیاری تلاش می‌کنند که این توافق را یک توافق استعماری یا اقماری جلوه دهند. این درحالی است که این توافق فعلاً در حد یک پیش‌نویس است و ثانیاً، دارای یک عقبه عظیمی از روابط دوجانبه و چندجانبه است که در آینده می‌تواند راهگشای

بسیاری از مشکلات موجود برای دو کشور در مقابله با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا باشد. ثالثاً، با رویکرد استقلال‌خواهانه و عزت‌طلبانه نظام اسلامی و همچنین روحیه انقلابی مردم ایران و بر اساس مفاد و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، به هیچ‌عنوان و تحت هیچ شرایطی رابطه استعماری در خصوص ایران اسلامی مطرح نیست. ضمن اینکه این برنامه هنوز در حد پیش‌نویس بوده و اگر قرار شد به معاهده و توافقنامه تبدیل شود، قطعاً در طی فرایند قانونی شدن در مجلس و شورای نگهبان ایرادی هم از این منظر و ضرورت مراعات حقوق ملت ایران و اصول لازم‌الرعایه حقوقی داشته باشد، طرح و رفع خواهد شد.

### ملاحظات:

۱- یک بحث و دغدغه‌ی مهم در ارتباط با این سند همکاری، پابندی یا عدم‌پابندی چین به تعهداتش در قبال ایران است. هرچند که در نظام بین‌الملل به هیچ‌کشوری نمی‌توان اعتماد کامل داشت، اما در ارتباط با چین باید گفت که همکاری چین با ایران براساس نیاز متقابل، بویژه باتوجه به موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی ایران و جایگاهی که این کشور در طرح «یک کمربند - یک راه» چین دارد و پتانسیل‌های اقتصادی که ایران دارد و براین اساس، بسیار بعید است که چین بخواهد از اجرای تعهداتش در قبال ایران سرباز زند. با این حال ممکن است گفته شود که چین تحت فشار آمریکا ممکن است همانگونه که به قطعنامه‌های تحریمی ضدایرانی در شورای امنیت رأی داد، در

هم‌پیمانی با آمریکا و علیه ایران اقداماتی انجام دهد. این نگرانی همچنان وجود دارد و باید نسبت به آن هوشیار بود و اصطلاحاً تمام تخم‌مرغ‌های خود را در سبد چین قرار ندهیم. ضمن اینکه باید توجه کرد که چین با توجه به تمایلات هژمونیکی که دارد، بی‌میل هم نیست تا در برخی موضوعات و پرونده‌ها بتدریج در مقابل آمریکا قدرت‌نمایی کند. کما اینکه هم‌اکنون هم می‌داند که هرگونه همکاری‌اش با ایران قطعاً با واکنش آمریکا مواجه خواهد شد.

۲- تجربه یک‌جانبه‌گرایی غرب‌محور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حکایت از آن دارد که نوع نگاه به سرمایه و ظرفیت‌های خارجی، نگاه مکملی نبوده؛ یعنی سرمایه خارجی را نه به عنوان مکمل ظرفیت‌های داخلی، بلکه به عنوان جانشین و جایگزین ظرفیت‌های داخلی در نظر گرفته‌ایم. پیامد این وضعیت، تلاش برای گسترش حوزه مشارکت خارجی در اقتصاد کشور و کم‌توجهی به شکوفایی ظرفیت‌های داخلی بوده است. این قضیه نباید در نگاه به شرق و در توسعه روابط با کشورهای چین تکرار شود؛ یعنی اگر چین وارد ایران شد، نباید امکانات و ظرفیت‌های چینی جایگزین ظرفیت‌ها، نبوغ و ابتکارات ایرانی شود.

۳- توسعه روابط با کشورهایی چون چین، اگرچه ضرورت منافع ملی و تجلی شرق‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است، اما به هیچ وجه به معنای حذف غرب از قاموس سیاست خارجی کشورمان نیست، بلکه اقدامی برای تعادل و

توازن و در عین حال، متنوع‌سازی گزینه‌های سیاست خارجی کشورمان می‌باشد. این موضوع در شرایط به بن‌بست رسیدن یک‌جانبه‌گرایی غرب‌محور در سیاست خارجی، بسیار حائز اهمیت بوده و در عین ظرفیت‌سازی خارجی به جای غرب، می‌تواند به متعادل‌سازی و واقع‌بین‌سازی غربی‌ها در قبال کشورمان هم منجر شود.

۴- اگرچه چین داعیه‌های هژمونیک و تمایلاتی برای مقابله با هژمونی در حال افول آمریکا دارد، اما چین همواره درصدد می‌باشد تا این اقدام را بدون جنجال و بدون پرداخت هرگونه هزینه‌ای انجام دهد. جنجال‌ها و هوچی‌گری‌ها پیرامون این توافق توسط ضدانقلاب و دشمنان خارجی با این هدف صورت می‌گیرد تا با بزرگ‌نمایی اقدامات چین در همکاری با ایران و علنی‌سازی این همکاری‌ها، چین را از تبعات هرگونه همکاری با ایران بترسانند. در این شرایط، به طور طبیعی، دامن زدن به جنجال‌های رسانه‌ای طرف مقابل، بازی در زمین طراحی شده وی خواهد بود. بنابراین، باید در این زمینه مراقب بود تا در شرایطی آرام و بدون هیاهو، توافق مذکور نهایی شود.